علوم اسلامی انسانی، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۷، جلد دوم، ص ۱۵- ۸

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

مجله علمی علوم اسلامی انسانی (سال چهارم)
شماره ۱۴/ تابستان ۱۳۹۷ / ص ۱۵- ۸

افشاگری: نظریه های اخلاقی معاصر چه میگویند؟

الهام روستایی دره میانه[۱]، رمضانعلی رویایی[۲]، طاهره خسروآبادی[۳]

[۱]دانشجوی دکتری، حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران
[۲]استاد دانشگاه و عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران
[۳]استاد دانشگاه و دانشجوی دکتری، حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول:
الهام روستایی دره میانه

چکیده

تعداد روزافزون رسوایی که منجر به بسته شدن بسیاری از شرکت های بزرگ می شودنگران کننده است.باور سنتی این است که کسب و کار و اخلاق دو مسئله متضاد هستند و انتظار نمیرود. با این وجود، این بدان معنا نیست استانداردهای اخلاقی باید کنار گذاشته شود.انجمن های حرفه ای مانند موسسه مالی مجاز (CFA) ارزش های اخلاقی را حفظ می کند و از اعضای خود خواسته است که از نظر اخلاقی استانداردهای بالا را رعایت کنند و در انجام وظایف خود سعی و کوشش کنند .به لحاظ فلسفی، رسوایی عمده حسابداری می تواند با افشا قبل از ارتکاب عمل اشتباه در نطفه خفه شود .با این حال افشا یک مسئله مهم است و به عنوان خیانت درنظر گرفته می شود.در این مقاله معضل افشا با استفاده از نظریه های اخلاقی معاصر ارزیابی شده اند که عبارتند از: خودبینی، فایده گرایی، وظیفه شناسی.تجزیه و تحلیل.

کلمات کلیدی: افشاگری[۱]، اخلاق تجاری[۲]، خودبینی[۳]، فایده گرایی[۴]، وظیفه شناسی[۵].

[1] Whistle blowing
[2] Business ethics
[3] Egoism

علوم اسلامی انسانی، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۷، جلد دوم، ص ۱۵- ۸

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

مقدمه

اخلاق مسئله تضاد است.به طور کلی، اخلاق به عنوان «اخلاق» یا استانداردهای اخلاقی که ما به آنها ارزش میدهیم و از آن حمایت میکنیم، تعریف شده است. هیچ تعریف واحد از اخلاق وجود ندارد، اما انجام آنچه قابل قبول یا در نظر گرفته شده است ، میباشد. اخلاق از فرد به فرد متفاوت است و آنچه ارزشمند است مانند صداقت، میتواند ارزش برتر در زندگی کسی نباشد. برخی معتقدند آنچه را که در نظر دارید اخلاقی است، درست است.این مهم نیست که افراد دیگر چه فکرمیکنند.به عنوان مثال، اگر کسی با یک ماشین به عابر پیاده در جاده بزند وفرار کند انجام این امر در تفکر خود او قابل قبول است.مهم نیست که ما چه فکر می کنیم ، اوآنچه که او تصور می کرد در این وضعیت درست است را انجام داده است .افرادی که این جریان فکر را دنبال می کنند باورها را معادل اخلاق میدانند.با توجه به کارتحقیقی داسکا و همکاران[6](۲۰۱۱) باورها لزوما اخلاقی نیستند.این نویسندگان نمونه ای از باورهای نازی ها در مورد یهودیان یا افرادی که از سقط جنین حمایت میکنند را مطرح میکنند.این باورها هیچ پایه اخلاقی ندارند.با این حال، بسیاری از مردم ممکن است استدلال کنند که راننده اشتباه کرده است که قربانی زخمی در خیابان رها کرده است .برخی افراددر حصار مانده اند و تا زمانی که شرایط اخلاقی برآنها به طور مستقیم تاثیر نگذارد در مورد ان صحبت نمیکنند .با این وجود، چنین مواردی مفید نیستند.اگر یک مدیریک عمل غیرقانونی مانند تجارت داخلی انجام دهد و هیچکس موضع اخلاقی را دربرابر ان اعمال نکند این منجر به هرج و مرج جامعه خواهد شد.اصول اخلاقی که امروزه به عنوان افراد مشخص میکنیم چگونگی اجرای زندگی و حرفه های ما را تعیین میکند.به عنوان مثال اگر من صداقت را ارزش بدانم،بعید است که من در طول ازدواج ، زنا کنم.این احتمال وجود دارد که یک فرد در زندگی حرفه ای خود مانند حسابداری و مهندسی غیر قابل اعتماد باشد.بسیاری از سازمان ها مانند مؤسسه تحلیلگران خبره مالی (CFA) مجموعه ای از قوانین را ارایه کرده اند که مسئولیت های اخلاقی را درحرفه ی مجاز کنترل میکنند.

امروز حرفه ها صرفا کسب سود نیستند بلکه انجام وظایف اخلاقی لازم با آن مسئولیت است.به عنوان مثال مؤسسه مؤسسه تحلیلگران خبره مالی تصریح می کند که تحلیلگران و کاندیداها "باید با انسجام ،شایستگی، سرسختی، احترام و اخلاق با عموم مردم ، مشتریان،مشتریان آینده ، کارفرمایان، کارکنان، همکاران در حرفه سرمایه گذاری و دیگرشرکت کنندگان در بازارهای سرمایه جهانی رفتار کنند. این کداخلاق در حرفه سرمایه گذاری برای یک انسان اخلاقی در زمینه سرمایه گذاری است. فرض منطقی این است که این کدهای اخلاقی در طول زندگی حرفه ای رعایت شود .با این حال، بسیاری از رسواییهای مالی وحسابداری همچون مدیریت فاسد مالی بی ضرر هنوز رخ میدهد .با توجه به کار ریلی و براون[7] (۲۰۰۹)، فساد مالی بی ضرر زمانی است که مدیران ازسرمایه گذار میخواهند یک کمیسیون کارگزاری که بالاتر از هزینه ساده اجرایی بورس است به یک دلال پرداخت کنند که بدین صورت مدیر خدمات تلفیقی اضافی را از کارگزاردریافت میکند. بلوم[8] (۱۹۹۳) استدلال کرد که این سناریو به تخصیص نادرست منابع مالی توسط سرمایه گذاران بالقوه منجر میشود.با این حال، حوران و جانسون[9] (۲۰۰۰) نشان داد کهاستفاده از ترتیبات مالی بی ضرر را می توان در اخلاق برای نظارت بر رفتار کلی حرفه ای سرمایه گذاری بکاربرد .دلیل آن این است که زمانیکه شما در برنامه مالی بی ضرر شرکت می کنید ما می توانیم استنباط کنیم که شما به دنبال منافع خود هستید .استفاده از برنامه مالی بی ضرر به طور کامل توسط مؤسسه تحلیلگران خبره مالی ممنوع است.در عوض، موسسه دستورالعمل های مناسب برای نحوه هدایت دلار بی ضرر بدون اینکه مدیران با ان منافع شخصی خود را دنبال کنند، تنظیم کرده است.این توسط کد دوم اخلاقی نشان داده شده استکه می گوید اعضا باید "انسجام را در حرفه سرمایه گذاری " قرار دهندو منافع مشتریان بالاتر از منافع شخصی انها است ".وضعیت دیگر این است که سرمایه گذار حرفه ای مشتریان بالقوه را برای سرمایه گذاری در سهام جذب می کندکه او احساس می کند در بلند مدت سود می کند بدون اطلاع رسانی مشتریان که بازدهی گذشته نشانگر بازدهی آتی نیست،و بازده تضمین شده در زمینه های سرمایه گذاری وجود ندارد.چالش این است که اگر فرد این اطلاعات را افشا کند او کمیسیون خود را از دست خواهد داد.مشتریان معمولا زمانی که آنها متوجه ضرری میشوند که از ابتدا سود ان تضمین شده بود ،دلسرد میشوند .عواقب مرتبط با اخلاق تنها در حرفه سرمایه گذاری دیده نشده است. بسیاری از رسوایی های حسابداری رخ داده است که منجر به سقوط شرکت های بزرگی مانند انرون[10] در سال ۲۰۰۱ و وردکام[11] شده

[4] Deontology
[5] Utilitarianism
[6] Duska et al
[7] Reilly and Brown
[8] Blume
[9] Horan and Johnsen
[10] Enron
[11] WorldCom

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

است. در مهندسی من وضعیتی را در نظر میگیرم که در آن یک تامین کننده فولاد نرم به یک مشتری با دادن اطلاعات نادرست در مورد محصول ان را میفروشد. فولاد بد در نصب یک بستر بکار رفته و چند ماه بعد این ساختمان فرو ریخته و تمام کارکنان کشته میشوند.همچنین حادثه ای را در نظر بگیرید که در آن یک پزشک دو عمل جراحی را در یک روز انجام میدهد.چون او بدنبال منفعت خود است ، او به جای ارجاع بیماران اضافی به دکترهای دیگر ، در یک روز چهار بیمار را ویزیت میکند. در حالی که بر روی بیماردوم کار میکند، بیمار سوم بیهوش شده و میمیرد در حالی که بیمار دیگر برای مراقبت فوری پزشکی کمک میخواهد.اینها موقعیتهای اخلاقی هستند که نمیتوان آنها را نادیده گرفت.این شرایط ، افشا سازی را مشخص میسازد. چه می شود اگر کسی وجود داشته باشد که این فعالیتهای اشتباه را قبل از انجام آنها گزارش کند؟افشا سازی یکی از رایج ترین چالش های اخلاقی استکه هر کس در زندگی شخصی و کاری خود با آن مواجه است.این مقاله با بررسی ادبیات موجود موارد موفقیت و شکست افشا سازی ؛دلایل له و علیه افشا سازی ؛عوامل اصلی موفقیت افشا سازی ؛کانال های مناسب افشا سازی و ابعاد چندگانه افشا سازی را مشخص میکند.این مطالعه همچنین با استفاده از متون اخلاقی معاصر، به حل معضلات مربوط به افشا سازی کمک میکند.قبل از اینکه ما به افشا گری بپردازیم ، ما باید ریشه اخلاق را درک کنیم، زیرا این موضوع دیدگاه های مختلف در مورد افشا گری را روشن می کند.

بررسی اصول اخلاقی و حسابداری

اخلاق به وضوح تعریف نشده است.با توجه به کارتحقیقی داسکا و همکاران(۲۰۱۱) اخلاق: "اصولی است که موارد خوب و بد با وظیفه و مسئولیت اخلاقی را نشان میدهد ؛مجموعه ای ازاصول اخلاقی یا ارزشها؛ نظریه یا سیستم ارزشهای اخلاقی؛یا اصولاقدامات یک فرد یا گروه. "همه تعاریف بالا قابل قبول هستند.دیدگاه سنتی اخلاق، این است که یک عمل خوب در نظر گرفته میشود، اگر برای تعداد زیادی از مردم قابل قبول باشد.دلایل مطالعه اخلاق با توجه به کار تحقیقی داسکا و همکاران(۲۰۱۱) نیز متنوع هستند. نویسندگان پیشنهاد می کنند که بررسی اخلاقی حیاتی است تا بدانیم که چه باورهایی اخلاقی در نظر گرفته می شود.نویسندگان با مطالعه اخلاق بیان میکنند که ، ما می توانیم تعیین کنیم که کدام مجموعه اصول در شرایطمختلف اعمال می شود.علاوه بر این، داسکا و همکاران(۲۰۱۱) اشاره می کنند که اخلاق پایه و اساس استدلال اخلاقی و توسعه است. بدون اخلاق، هیچ پایه ای نداریم که بدانیم کدام اقدام اشتباه یا درست است. با اخلاق، می توان دلایل حمل انجام یک کار خاص را توجیه کرد.به این ترتیب ، سیستم قضایی کار می کند.آنهامعیارهایی برای قضاوت در مورد اقدامات خواهند بود.این به این معنی نیست که امروزه مشکلات رخ نمیدهد. با نظام حقوقی ، وضعیت خیلی بهتر می شود.اصول اخلاق نیز برای درک این است که چرا احساسات ما و نظرات ما ارزشمند هستند. دلیل این است که اگر بدون دلیل معتبراقدام بکنیم، ما اصول اخلاقی خاص را نقض کرده ایم .دلایل زیادی برای انجام یک کار وجود دارد .با این حال برخی دلایل بی معنی است،به عنوان مثال انجام یک عمل اشتباه و گفتن "من اینطوری دوست داشتم"اساس اخلاقی نیست و در نتیجه توجیه پذیر نیست .بررسی اخلاق توسط داسکا و همکاران (۲۰۱۱) به ما نشان می دهد چگونه می توان اصول اساسی اخلاقی را در یک عمل شناسایی کرد.این به ویژه در جهان حرفه ای صدق میکند.درمقدمه، نویسنده نمونه ای از مورد یک دکتررا بیان کرد که در یک روز ۴ بیمار را جراحی میکند. بیماران دیگر بدون مراقبت بوده و جان خود را از دست میدهند. در این سناریو، برای حل این موارد، اصول اخلاقی نیاز است.آیا پزشک حق داشت بیشتر از آنچه که میتوانست انجام دهد، کار قبول کند؟باید اقدام علیه او برای منفعت جویی و بازی با جان مردم به طور غیر مستقیم صورت گیرد ؟در کسب و کار، همچون شرکتهای حسابداری و شرکت های حسابرسی اصول اخلاقی اهمیت دارد.این اخلاق کسب و کار و یا گاهی اخلاق حسابداری نامیده میشود. اخلاقیات در دیگرحرفه ها نیز مانند اخلاق در مهندسی؛اخلاق در مطالعات علمی و اخلاق درشرکت های حقوقی وجود دارد .اعتقاد سنتی در طول سال ها این است که تجارت و اخلاق در تضاد با هم هستند.بدین معنی که کسب و کار و اخلاق در مقابل هم هستند زیرا کسب و کار در صدد ایجاد سود است و کسی که بدنبال کسب سود است در برخی موارد غیر اخلاقی عمل میکند. نمونه های بسیاری از موارد وجود دارد. یک مدیر با جعل بیلان واظهارنامه درآمد از یک بانک وام میگیرد. نمونه های دیگری هم وجود دارد.شرکت های قدیمی با رقبای جدید رقابت میکنند .در این سناریوهاشرکت غول پیکر قیمت ها را کاهش می دهند به طوری که شرکت جدید مجبور هستند قیمتشان را کاهش دهند.در دراز مدت، هزینه های عملیاتی کسب و کار جدیدبدون سود افزایش خواهد یافت.شرکت رقیب جدید مجبور به کنارکشی خواهد شد.همه اینهابرای به دست آوردن سود بیشتر انجام می شودبدون توجه به این که آیا اقدام اخلاقی است یا خیر. امروزه کسب و کارهای جدید دارای اصول اخلاقی هستند که چگونه کارکنان باید با یکدیگر و بقیه عموم، مشتریان بالقوه،مشتریان قدیمی و موسسات دیگررفتار کنند.

علوم اسلامی انسانی، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۷، جلد دوم، ص ۱۵- ۸

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

انجمن حسابدارن رسمی آمریکا (AICPA) استانداردها اخلاقی را تعیین کرده و انچه که از حسابداران رسمی (CPA) انتظار میرود . انجمن حسابدارن رسمی آمریکا هفت اصل دارد که حسابداران رسمی را هدایت می کند.اصل اول "در انجام مسئولیت ها ی خود به عنوان حرفه ای، اعضای باید اصول حرفه ای وقضاوت اخلاقی در همه فعالیت ها در نظر بگیرند. کلمات کلیدی در ایناصل "قضاوت های حرفه ای و اخلاقی حساس" است.این اصل شیوه هایی مانند ورود به یک معامله حسابداری غلط،کم کردنبدهی به افزایش سود خالص؛یا افزایش ارزش دارایی ها برای افزایش سود خالص؛یا درمورد شرکت های ممیزی - موافقت با یک روش حسابداری غلط که یک مشتری از آن استفاده می کندتا بیشتر بپردازد را ممنوع کرده است .اصل دوم انجمن حسابدارن رسمی آمریکا بیان می کند که عضو"باید بگونه ای عمل کند که در جهت منافع عمومی بوده ، اعتماد مردم را جذب کرده و تعهد به حرفه را نشان دهد ".این اصل از ابتدا از منافع عمومی حمایت می کند.متخصصان حسابداری غیر مطمین نمیتوانند اعتماد دیگران را بدست اورند ، زیرا انها در جهت منافع عمومی کار نمیکنند .اصول سوم بیان می کند: "برای حفظ و گسترش اعتماد عموم، اعضا باید تمام مسئولیت های حرفه ای را با بالاترین حس صداقت کاری انجام دهند."

اصل چهارم بیان می کند که:

"افراد باید عینیت را حفظ کرده و فاقد تضاد منافع در انجام مسئولیت حرفه ای خود باشند ".سه اصل اخر انجمن حسابدارن رسمی آمریکا به شرح زیر است : (۵) عضو بایددر هنگام ارائه ممیزی و یا گواهینامهخدمات مستقل عمل کند ؛(۶) یک عضو باید استانداردهای اخلاقی فنی حرفه را رعایت کند،به طور مداوم تلاش کند تا صلاحیت و کیفیت خدمات را بهبود بخشد و مسئولیت حرفه ای را با بالاترین توانایی اعضاء انجام دهد (۷) یک عضو در کل باید اصول کد رفتار حرفه ای را در تعیین دامنه و ماهیت خدمات ارائه شده در نظر بگیرد .

افشاگری

این پژوهش با استفاده از تئوری تقارن اطلاعاتی که توسط پیشگامان تئورریزه شده است افشاگری را مورد توجه قرار میدهد و افشاگری با این دلیل قابل بحث و بررسی است که شامل افشا و آشکارسازی اسرار مفید اطلاعاتی است که یک شرکت درگیر است داسکا و همکاران (۲.۱۱) افشاگری را به این صورت تعریف میکند فعالیتی است که در آن کارکنان که شرکت یا همکارانشان سر فعالیتهایی شرکت میکنند که منجر به آسیب رسانی بیش از حد تضییع حقوق انسانی ،عملکرد غیر قانونی ،مقابله و مخالفت با ائراق تعریف شده ، دستور العمل ها یا حرفه در غیر اینصورت منجر به آگاه سازی غیر اخلاقی مقامات ارشد ، سازمان های حرفه ای ، عموم مردم ، یا شماری از نهادهای عمومی از این فعالیت ها می شود . افشاگری به مسئله غامض برای کارکنان تبذیل شده است . به ظور سنتی افشاگری به ظور نامناسب مورد بررسی قرار گرفته است چرا که شامل افشا افراد غیر به مردم یا سیستم قضائی مسئول بوده است . مطابق با دیدگاه داسکا و همکاران (۲.۱۱) افشاگری غالبا با واژگانی نامناسب مثل خبر چین ، یاوه گو ، خرابکار یا فریبکار نامیده میشود . در بسیاری از موارد مردم ترجیح میدهند که به جای افتادن در باتلاق افشاگری از کنار آن عبور کنند . افشاگری مسئولیتهای عمده ای بر عهده افشاگر وارد خواهند نمود . قانونگذار همواره در کانون توجهات بوده و غالبا در معرض پاسخگویی برای تولید قانون می باشد . به عنوان مثال چرا در برخی موارد مردم رای افشا موارد غیر اخلاقی با مشکل روبرو میشوند . احساس یا عدم حرکت به سمت افشا گران منجر به گسترش شرایط کنونی خواهد شد .به طور صادقانه شمار گسترده ای از مردم معتقد هستند که تمایلی به افشا گری ندارند . آنا معتقد هستند که افشاگری بخشی از فعالیت روزانه آنها نمی باشد . شارون واکتنز احساس نمود که متعهد به آشکارسازی و افشا فعالیتهای غیر اخلاقی شرکت اندرون در سال ۲۰۰۱ است . علی رغم این واقعیت که عموما افشاگری به صورت نامناسب تعبیر میشود اما ممکن است ؟ از افشاگری وجود داشته باشد . در مواردی مثل طرح ریزی ارائه وقایع نامناسب به مردم افشاگری میتواند سرمایه گذاران را در مقابل زیانهای گسترده حفظ نماید . افشاگری به خودی خود به طور مستقیم به افشاگر کمک نمیکند . بر این مهم دلیل اصلی در آن است که چرا عده زیادی از مردم احساس عدم نیاز و ضرورت به افشا مینمایند .

افشاگری میتواند از عکس العمل جدی نسبت به خبر چینی برخوردار باشد حتی با تغییر شیوه زندگی مردم غالبا این برچسب را میزنند که فرد افاشاگر خبر پین بوده که همواره درصدد آشکار سازی همه چیز است گاهی اوقات وضع برای افشاگر غیر قابل تحمل می شود . بعلاوه افشاگری معمولا منجر به فروریختن و انحلال شرکتهای بزرگی مثل انرون می شود . بسیاری از مردم شغل خود را به هنگام افشا واقعیات و بیان صادقانه نسبت به شرکت از دست میدهند و بساری از مردم افشاگران را مقضر از دست دادن شغلشان میدانند .از نظر آنها افشاگران قهرمان نمی باشند. بساری از مردم در این عقیده استوار هستند که اگر خبر چینی وجود نداشته باشد هیچ وقت شغل خود را از دست نمی دهند آنها غالبا بر این واقعیت اشاره دارند که شرکت در حال

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

تعریف سود بوده است در ادامه ما به ارزشیابی این موضوع میپردازیم که چرا تئوری های اطلاعاتی میتواند به حل مسائل اخلاقی در افشاگری کمک نماید .

تئوری های اخلاقی معاصر و افشا گری

افشاگری میتواند مسائل اخلاقی پیچیده ای در پی داشته باشد بسیاری از مردم معتقد هستند که ابن مسئله پیچیده مرتبط با تعهد به افشا فعالیتهای غیر اخلاقی می باشد .. این مهم به هنگام بررسی مجرمینی که ممکن است شغل خود را با بدنامی از دست داده باشند یا شرکتی که ممکن است به تعطیلی کشانده شوند ، مشکلاتی را ایجاد میکند . ارزش ها در حال تغییر هستند در این مقاله افشاگری از نقطه نظر تدوری های اخلاقی مثل خود بینی ، وظیفه شناسی ، فایده گرایی ، مورد بررسی قرار میگیرد.

۱- خود بینی

این تئوری اخلاقی مهم عبارت است ازاینکه افراد در تلاش برای ئنبال نمودن رفاهیات خویش هستند . داسکا و همکاران (۲.۱۱) بیان میدارد که افراد همواره براساس منافع شخصی خویش حرکت میکنند و این تئوری غالبا مورد عدم پذیرش قرار گرفته است زیرا در صدد ترویج خود پسندی می باشد . بسیاری از مردم معتقد هستند که خود پسند بودن اشتناه و نا پسند است زیرا در این حالت مقاصد و نیازهای دیگر مردم مورد توجه قرار نمیگیرد و تنها چیزی که در این تئوری مورد توجه قرار میگیرد خود و اهداف خود می باشد . هیچ چیزی به فرد با فعالیت نمودن وی در راستای منافعش کمک نمیکند مطابق با داسکاو همکاران (۲.۱۱) پژوهش اخیر بیانگر آن است که منافع و تمایل به خودی خود بد نمی باشد . روانشناسان معتقد هستند که خویش دوستی (خود دوستی) و خود اعتقادی و قدرت افراد در راستای رسید به اهداف و پروژه هایشان لازم و ضروری می باشد . خود بینی به طور کلی بد نیست ولی زمانی نامناسب است که فرد شروع به تسهیل اهداف خود که منجر به اذیت و آزار دیگران میشود ، بنماید . گرچه خود پرستان مدعی هستند که اگر فردی خودش را نبیند و به خویش توجه نکند وجود نخواهد داشت . آنها معتقد هستند که هیچ کس نمی تواند مثبت بوده و اظهارات مثبتی داشته باشد خواه خودی که مطابق یا منافع خویش حرکت کند خواه نکند بهتر است در جهت تحقق اهداف خویش گام بردارد . در روانشناسی این مهم غالبا عنوان میشود که هر هر شخصی خودپرست است زیرا تمامی افراد درصدد فعالیتها مطابق با منافع خویش می باشد . خود بینی روانشناسانه ، به طور حرفه ای آیا خود بینی بد است ؟

خود بینی به عنوان یک تئوری بد دیده میشود زیرا شامل منافع دیگر افراد نمی شود . برای مثال یک حسابرس خود پسند و مغرور منافع مشتری خود را مد نظر قرار نمی دهد . اما مهترین سوال این است که آیا این تئوری مشکل ناشی از پیچیدگی های اخلاقی افشاگری را حل میکند . خود بینی براساس مبانی منافع شخصی است بنابراین در خود بینی ممکن است بیان گردد که شاید نیاز به افشا فعالیتهای غیر اخلاقی شرکت و همکاران بنا شده زیرا منجر به گسترش مبانی منافع شخصی آنها نمی شود . در بسیاری از موارد نسبت به افشاگری واقعا منافعی وجود ندارد . خود پسند منافع شخصی را مورد توجه قرار میدهد . اگر چه خود ؟ ممکن است این فرض بدیهی را مورد توجه قرار دهد که زمانی خود میتواند همراستا با افشاگری ها رشد و ترقی داشته باشد که افشاگری منافع فرد را توسعه دهد به عنوان مثال فرد بعد از حل فاجعه بزرگ در شرکا به مقام بالایی در آن شرکت دست یابد . بنابراین در خود پسندی مهم آن است که چه چیزهایی از افشاگری شامل حال فرد میشود به طور کلی افشاگری می بایستی در راستای افتخار حرفه فعالیت نماید و نه برای هدف توسعه فردی بنابراین این مهم نقض خواهد شد به عنوان مثال مقرراتی که توسط موسسات قوی مثل موسسه حسابداران رسمی و انجمن حسابدران رسمی آمریکا پایه گذاری میشود نگرانی آن است که خودپسند در شرایطی که موارد به طور شفاف غیر اخلاقی هستند احتمالا سکوت نمایند

زیرا به افشاگری و عدم سکوت برای وی منافعی را در پی نخواهد داشت . داسکا و همکاران (۲.۱۱) بیان میکند که حتی با قصور اینکه متخصصین میتوانند با افشاگری توافق نکنند وی در بعضی موارد از آنها متعهد به افشا و اشکارسازی اسرار غیر اخلاقی می باشد.

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

۲- فایده گرایی(منفعت طلبی)

درفایده گرایی موضوع آن است که به گونه ای عمل شود که بهترین و بزرگترین منفعت عاید دسته گسترده ای از افراد گردد (داسکا و همکاران،۲۰۱۱). ژان استورات و میل استورات بیان می دارند فعالیتی منجر به مسب نتایج مثبت شود ،فعالیتی دوام پذیر بوده است. درحای که فعالیتی که نتایج نامناسب و بد در پی داشته باشد آسب رسان و مفید خواهند بود. قاعده برآن است که نتایجی که منجر به شادی آفرینی بیشتر شوند ماندنی و پابرجا خواهند بود.

مشکل این تئوری آن است که عامل بهبود و روان سازی مسئله توزیع نیست.داسکا و همکاران(۲۰۱۱) به بیان مثال پرتقال ها می پردازند. اگر ۵ نفر وجود داشته باشند که از این میا دو نفر شدیداً پرتقال دوست داشته و دو نفر دیگر از آن متنفر باشند. حال چگونه بایستی پرتقال ما بین آنها توزیع شود که منجر به بیشترین شادی آنها گردد. اگر اجازه دهیم که پرتقال ها به طور منصفانه بین آنها توزیع شود به هریک عدد پرتقال توزیع شده که در این حالت تعداد واحد های خوشحالی برابر ۳ خواهد بود .زیرا دو نفر دیگر منتظر دریافت پرتقال نخواهند بود.اگر ما اجازه دریافت پرتقال ها را به افرادی بدهیم که واقعاً به آنها علاقه دارند ، در این صورت دو نفری که به پرتقال علاقه دارند هر یک دو پرتقال در یافت می کنند که با این نوع تقسیم بندی به بزرگترین واحد خوشحالی را ایجاد خواهیم نمود.

از نقطه نظرافشاگری آیا فایده گرایی (منفعت طلبی) یک تئوری اخلاقی مانی و مناسب و رشد و ترقی خواهد بود. افشاگری در صورتی ممکن است مورد حمایت فایده گراییباشد که شماره گسترده قابل توجهی از افراد منتفع گردند. بنابراین اگر فایده گرایی منجر به انتفاع شمار گسترده ای از افراد یکبار پرئاز شود آنگاه حرکت در امتداد چنین فعالیتی(فایده گرایی) منطقی و عاقلانه خواهد بود یا نخواهد بود.

۳- وظیفه شناسی

تئوری اخلاقی دیگر که نیازمند توجه و بررسی باشد عبارتست از وظیفه شناسی (کانت). وظیفه شناسی براساس این عقیده ماست که اگر فردی در راستای تأمین مطالبات و امیال خویش گام بردارد، آنگاه به خارج از انگیزه اخلاقی فعالیتی صورت نداده است.کانت به بیان چندین فرمول برای الزامان طبقه بندی شده می پردازد. اولین فرمول آن است که فرد بایستی به گونه ای عمل نماید که توانایی گسترش و حداکثرسازی فعالیت خویش را به منظور تبدیل شدت آن به یک قانون جهانی داشته باشد. دومین فرمول آن است که به گونه ای رفتار شود که هیچگاه رفتار منطقی دیگری به عنوان یک وسیله انحصاری دیده نمیشود . تئوری کانت به طور مستقیم در تضاد با خود بینی است زیرا در خود بینی خود در پی منافع خویش است . در این حالت فعالیتها وی جهانی نخواهد شد و اگر چه وظیفه شناسی بیانگر آن است که فرد بایستی در درجه منفعت فعالیتشان را بررسی کند و یقین پیدا کند که آیا آنها قابلیت تبدیل شدن به اصول یا قانون جهانی را دارند . این تئوری مشکلات فایده گرایی (منفعت طلبی) را حل میکند . فایده گرایی (منفعت طلبی) در پی نتیجه بوده در حالیکه وظیفه شناسی براساس جهان شمول کردن فعالیتها می باشد . این منطق عبارتست از اینکه نمیتوان انتظار داشت در صورتی که رفتار فرد از ابتدا و نقطه شروع اشتباه می باشد یک رفتار مورد پذیرش جهانی و جهان شمول تبدیل شود . این تئوری بان میدارد که افراد به ظور اخلاقی رفتار نمایند آنگاه فعالیتهای آنها قابلیت پذیرش جهانی را خواهد داشت .بهترین وظیفه در شرایطی که وظیفه شناسی مسائل غامض در افشاگری را حل مینماید ارزشیابی خواهد شد . در وظیفه شناسی اگر حسابداران همراستا با افشاگری حرکت کنند و تمامی فعالیتهای غیر اخلاقی را افشا نمایند آنگاه این عملکرد آنها درست خواهد بود . وقتی این فرض بدیهی را داشته باشیم که عقاید یا فعالیتهای فرد زمانی جهانی خواهد شد که وی رفتارهای غیر اخلاقی را مشاهده و گزارش نماید . بسیاری از افراد ممکن است این موضوع را مطرح نمایند که به دلیل مشکل بودن ایستادگی نسبت به خود بینی به مقابله با وظیفه شناسی پرداخته اند. این دیدگاه نه تنها نسبت به حرفه بلکه نسبت به جاکعه جهانی به طور کلی وجود دارد . اگر په افشاگران هیچگاه بدون چالش و بدون آسیب پذیری حرکت نخواهند نمود . رز [12](۱۹۳۰) معتقد است که ما دارای اهداف هائی هستیم که فراتر از وظایف مان حرکت مینماید . به عنوان مثال ما متعهد به حفظ پیمان هایمان در دست انجام دادن آنها و عدم آسیب رسانی به دیگران هستیم.

[12] Ross

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

۴- عامل روانشناسی

در اخلاق تجاری عوامل دیگری وجود دارد که اخلاقیون معتقد هستند که وقوع رسوایی ها را متاثر خواهد نمود . کینگ[۱۳] (۲۰۰۸) بیان میکند توسعه اخلاقی شامل تغییرات در افکار ، احساسات و رفتارهای مربوط به اصول و ارزش هایی میشود که راهنمای افراد در مسیری که بایستی انجام دهند ، خواهد بود . پژوهش های روانشناسی بیاگر توسعه اخلاقی در هر دو بعد درون فردی و میان فردی است مانند پژوهش لامپل لی و ناروائز[۱۴] (۲۰۰۶) و توریل[۱۵] (۲۰۰۶) . به هنگام بررسی اخلاق مهم توجه به رشد اخلاقی کودکان و پرورش صحیح آنها و راست قامتی بزرگسالان است (آمیس برگ و همکاران[۱۶] ۲۰۰۶، آمیس برگ و مورفی[۱۷] ۱۹۹۵ ، آمیس برگ و والینت[۱۸] ۲۰۰۲) مطابق با پژوهش (۲۰۰۸) این این راهبردها شامل صمیمی و حامی بودن خواهد بود . اگر این راهبردها به خوبی پیروی گردند آنگاه بسیاری از افراد حرفه ای ، به ظور محترمانع عمل خواهد نمود این عملکرد نه به دلیل تعهد افراد به حرفه می باشد بلکه به دلیل ذات و تربیت آنها می باشد . آنگاه در این حالت بسیاری از رسوایی ها متوقف خواهد شد .

نتیجه‌گیری

در این مطالعه، افشاگری براساس تئوری های اخلاقی معاصر مورد ارزشیابی قرار گرفت. مسائل غامض افشاگری با استفاده از مبانی خودبینی، رفاه طلبی و وظیفه شناسی مورد آزمون قرار گرفت. افشاگری به طور کلی فعالیت غیراخلاقی را مورد بررسی قرار داده است، زیرا به غیر اخلاقی بودن وسیله است که منجر به ناسپاسی فرد خواهد شد. عموم افراد اجتماعی می باشند، بنابراین اگر یکی از آن افراد ناسپاس بوده و به طور آشکارا فعالیت غیر اخلاقی را صورت دهند. آنگاه آنها در جهت جدایی از جامعه و بدنام شدن گام خواهند برداشت. به طور کلی، مبانی خودبینی به دلیل آنکه براساس منافع شخصی فرد شکل گرفته گرفته اند، از افشاگری حمایت بهعمل نخواهند آورد. براساس خودبینیبه فرد فقط بایستی در راستای افشاگری حرکت کند که آن منجر به تامین منافع شخصی می شود. اگرچه، این مهم همسو است با استاندارد های اخلاقی حرفه ای نخواهند بود.استاندارد های اخلاقی حرفه ای، افراد را جهت عدم خودبینی و فعالیت در راستای درستی و تعهد اخلاقی حرکت خواهند بود. از طرف دیگر، فایده گرایی براساس اصولی شکل گرفته است که فعالیت را در صورتی که منجر به تامین بزرگترین منافع به تعداد گسترده ای از افراد شود قابلیت رشد و ترقی خواهد داشت.افشاگری از نقطه نظر فایده گرایی تنها زمانی مورد حمایت واقع می گردد که به جای آسیب رسانی به بخش های مربوطه برای آنها مفید و مناسب باشد. یک فرد فایده گرا و سودمند گرا به تعیین شرایطی که منجر به خلق سودمندی(خوبی) بیشتر نسبت به بدی می شود، بپردازد.

مشکل اصلی این تئوری آن است که افشاگری بایستی مخالف با خود بینی باشد.افراد خود بین به دلیل انکه منافع شخصی در اولویت منفعیت برای فایده گرایی نمی باشند،فایده گرایی را رد می کنند. پژوهشگران منتقد معتقد اند که فعالیت های فرد بایستی در مسیری حرکت کند توانایی پذیرش جهانی را داشته باشد. ممکن است افشاگرایی در این مورد(وظیف شناسی)، پذیرفته شود. زیرا در راستای وظیفه شناسی درستی افراد مورد بررسی قرار میگیرد.

به طور کلی افشاگری توسط نئو تئوری مورد پذیرش واقع می شود.این تئوری ها عبارتند از وظیف شناسی و فایده گرایی. اگرچه این بدان معنی نیست که افشا گری بایستی همیشه بدون بررسی دقیق شرایط مورد عمل قرار گیرد.تفاوت و سختی شرایط، منطق و مسیری که ما در آن فعالیت می کنیم تاثیرگذار خواهند بود. مطابق با داسگا و همکاران(۲۰۱۱) افشاگری باید بر اساس انگیزش مناسب،مدارک مناسب و مسیر های مناسب شکل گیرد.

[13] King
[14] Lapsley and Narvaez
[15] Turiel
[16] Eisenberg, et al
[17] Eisenberg and Murphy
[18] Eisenberg and Valiente

ISSN: 2538-3671
http://www.johi.ir

منابع و مراجع

1- Blume, M. E. (1993). 'Soft dollars and the brokerage industry'. Financial Analysts Journal, Vol.49, No.2, pp.36-44.
2- Bosupeng Mpho,(2017). 'WHISTLE BLOWING: WHAT DO CONTEMPORARY.ETHICAL THEORIES SAY? '. Studies in Business and Economics no. 12(1)/2017.
3- Brown, K.C., and Reilly, F.K. (2009). 'Analysis of investments and management of portfolios'.(9th ed). Canada: Cengage Learning.
4- Duska, R., Duska, B.S., and Ragatz, J. A. (2011). 'Accounting Ethics'. West Sussex: Wiley-Blackwell.
5- Eisenberg, N., Fabes, R.A, and Spinrad, T. l. (2006). 'Prosocial development'. In W. Damon and R. Lerner (Eds.), Handbook of Child Psychology (2th ed.) New York: Wiley.
6- Eisenberg, N., and Murphy, B. (1995). 'Parenting and children's moral development'. In M.H.
7- Borstein (Ed.), Children and parenting (vol.4). Hillsdale, NJ: Erlbaum. Eisenberg, N., and Valiente, C. (2002). 'Parenting and children's prosocial and moral development'. In M.H. Bornstein (Ed.), Handbook of Parenting (2nd ed). Mahwah, NJ: Erlbaum.
8- Horan, S. M., and Johnsen, D.B. (2000). 'The Welfare effects of soft dollar brokerage: law and economics. Charlottesville, VA: Research foundation of the institute of chartered financial analysts.
9- King, L. (2008). 'The science of psychology: an appreciative view'. McGraw-Hill: New York.
10- Kohlberg, L. (1969). 'Stage and sequence: The cognitive-developmental approach to socialization'. In D.A Goslin (Ed), Handbook of Socialization Theory and Research. Chicago: Rand McNally.
11- Lapsley, D.K., and Narvaez, D. (2006). 'Moral education'. In W. Damon and R. Lerner (Eds),Handbook of Child Psychology (6th ed.). New York: Wiley.
12- Ross, W. D. (1930). 'The right and the good'. Oxford University Press.
13- Turiel, E. (2006). 'The development of morality'. In W. Damon and R. Lerner (Eds.), Handbook of Child Psychology (6th ed.) New York: Wiley.